

بابایِ فارسیِ پروفیسورِ عابدی

جهانگیر اقبال تانتری*

مقدمه

شبه قاره هند و پاکستان منطقه‌ای بوده است که گذشته درخشنده‌ای دارد در مسیر ادبیاتِ فارسی از این سرزمین هنر خیز عده‌ای بزرگ از شعرا و مورّخین و علما و ادبا و... برخاسته‌اند که سهم گرانقدری در رشد و فروغ زبان و ادبیاتِ فارسی در دیارِ هند یعنی کشورهای هند و پاکستان و بنگلادش کنونی داشته‌اند. زبان فارسی برای هفتصد سال زبان رسمی و دستوری این سرزمین بوده و از این رو یک گنجینه بزرگی از ادب فارسی به ما رسیده است.

در قرن بیستم میلادی با تقسیم شبه قاره اثرات خیلی منفی بر ادبیاتِ فارسی وارد شد. به‌ویژگی که فارسی را از دادگستری و اداره‌های حکومت خارج کردند. در نتیجه مردم شبه قاره از یک ارث پراچی محروم شدند.^۱ حالا بعد از تقسیم در هند کنونی بزرگمردانی هستند که بار گران پاسداری از میراث فارسی را مسئول گردیدند. در پتنا پروفیسور محمد عسکری، در علیگره پروفیسور نذیر احمد و در دهلی پروفیسور امیر حسن عابدی.

مختصر زندگینامه

استاد سید امیر حسن عابدی ملقب به «بابایِ فارسی» معروفترین شخصیت علمی در سال ۱۹۲۱ م در دهکده گنگوی شهر غازیپور اترپرادش چشم به جهان گشودند.

* استادیار و مسئول اداری بخش فارسی دانشگاه کشمیر، سرینگر (جامو و کشمیر).

۱. مقدمه دریای اسما، ترجمه کتاسرت ساگر از مصطفی خالقداد عباسی، تصحیح دکتر تارا چند و پروفیسور سید امیر حسن عابدی، با همکاری دانشگاه اسلامی علیگره و مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو، بهمن ماه ۱۳۷۵ هـ ق/فوریه ۱۹۹۷ م.

این هم‌مین زمان بود که حرمان و دولت هند جانب ادبیات فارسی و عربی بی‌توجهی کرده بودند. ولی رضای الهی این بود که به‌دست مبارک این شخصیت انقلاب بزرگی در ادبیات فارسی پیدا کردند.

در سال ۱۹۶۵ م به‌عنوان پژوهشگر برگزیده ادبیات فارسی هند و ایران از مؤسسه علمی ادبی به‌فخرالدین علی احمد مفتخر به دریافت جایزه و نشان یادبود گردید. سال ۱۹۷۲ م در موقع سالگرد استقلال هند رئیس جمهور وقت کشور ملی مراسمی به پاس خدمات علمی و ادبی استاد عابدی و نقش انکار ناپذیر وی در گسترش زبان و ادب فارسی در هند، از او تقدیر به عمل آورد. سه سال بعد دولت هند با هدف قدردانی از خدمات استاد جایزه ادبی ساهتیا کلا پریشد را به‌وی اختصاص داد و در سال ۱۹۸۶ م از بخش فارسی بازنشست شدند و دانشگاه دهلی ایشان را به‌عنوان «استاد ممتاز» برگزید تا همچنان دانش‌پژوهان بتواند از چشمه جویان علمی وی خود را سیراب سازند. انجمن سراسری استادان فارسی هند در سال ۱۹۹۶ م در سمینار بین‌المللی احمدآباد استاد را به‌لقب «بابای فارسی» مزین کردند. او در این سمینار با بیاناتی نصیحت کردند که:

”عزیزان من! برای زبان و ادب فارسی پدر و مادر نترشید، بروید تحقیق و مطالعه کنید در این میان مسئولیت جوانان طالب‌علم و دانشجویان زبان فارسی سنگین‌تر از دیگران است این میراث فرهنگی را دریابید و با مطالعه و تحقیق جدی بر آثار فراوانی که در کتابخانه‌های هند است مانع از بین رفتن آنها شوید و به‌حفظ آثار گذشتگان پردازید که امانتی است نزد شما و بس“^۱.

استاد امیر حسن عابدی استادان برجسته‌ای داشتند. از اوایل عمر خود در حوزه علمی جوآدیه واقع در شهر بنارس جناب یوسف علامه رضی رنگی پور و آیت الله ظفرالحسن مشهور به‌ظفرالملمت تلمذ کردند. بعد از این سلطان‌المدارس شهر لکهنو مثل علامه ابن حسن نونهروی و مولوی عالم حسین، مولانا صبغت الله و عنایت الله و مولوی محمد علی فرزند مفتی محمد عباس (معاصر و دوست میرزا غالب در ایران

۱. مقدمه «سیمای عابدی»، سیده بلقیس فاطمه حسینی، انتشارات بخش فارسی دانشگاه دهلی، ۲۰۰۴ م.

استاد پورداوود، استاد بدیع الزمان فروزان‌فر، استاد ذبیح الله صفا، استاد عبدالعظیم قریب. استاد سعید نفیسی و دکتر معین تنی چند از ستارگان درخشان آسمان زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران بودند.^۱

درباره استاد امیر حسن عابدی بسیاری از محققان و ادیبان مقاله‌هایی رقم کردند ولی بنده اینجا افکار پروفیسور نذیر احمد که دانشور و محقق بزرگ ادبیات فارسی، عربی و اردو و درست‌عزیزی استاد عابدی هستند اینجا نقل می‌کنم.

استاد عابدی حضور ذهن و حافظه‌ای قوی دارد و هزاران واقعه تاریخی ارزشمند را که روشنگر نکات مبهم تاریخ و فرهنگ شبه قاره است، به خاطر داشته و حفظ است. او توجهی خاص انساب و خاندان افراد سرشناس، فرهیختگان و نجیب‌زادگان به‌ویژه سادات دارد. لازم بود که این مطالب از وی نوشته شود، زیرا این مطالب بخش مهمی از تاریخ و فرهنگ ما را تشکیل می‌دهند. به اعتقاد من در این حوزه (علم رجال) شخص دیگری به توانایی و متبحر وی در هندوستان وجود ندارد. استاد عابدی انسانی بی‌ریا و بی‌نهایت مخلص است و از هرگونه تعصبی به دور است. قدر انسان را خوب می‌داند و او را ستایش می‌کند به همین جهت است که وی بیش از هرکسی در میان طبقات مختلف اجتماعی محبوب و محترم است او مسلمانی شیعه مذهب است و در یک خانواده تحصیل‌کرده شیعه پرورش یافته است. در حوزه‌های علمیه شیعیان تحصیل کرد. پدرش فردی مؤمن و مذهبی بود که تعصبات مذهبی در وی اثری نداشت و بلکه از هرگونه تعصب و مسائل اختلاف‌انگیز مذهبی به دور بود. استاد فردی ملحد نیست و اعتقاد راسخ به دین اسلام دارد.^۲

استاد عابدی عالمی فرزانه و دانشمند سرشناس فارسی و عربی است با این وجود وی هیچ‌گاه از برتری علمی خود مغرور نشده و آن را به رخ کسی نکشیده است. او همواره نگران انحطاط و زوال این دو زبان در شبه قاره بوده و اغلب نارضایتی خود را در مورد این قضیه عنوان کرده است.

۱. مقدمه «سیمای عابدی»، سیده بلقیس فاطمه حسینی، انتشارات بخش فارسی دانشگاه دهلی، ۲۰۰۴ م.

۲. همان.

او فردی صبور و بسیار با حوصله است. بسیاری از صفات نیک و پسندیده استاد عابدی در دید مردم پنهان است. وی عالمی بزرگ، فردی انسان دوست، غریب پرور و دستگیر انسانهای درمانده است. بی تردید انسانی با چنین ویژگی‌های ارزنده بسیار کمیاب است. به درستی مولانا جلال‌الدین رومی در مورد انسانهای این‌گونه چنین سروده است:

دی شیخ با چراغِ همی گشت گردِ شهر کز دیو و دو ملولم و انسانم آرزوست^۱
 درباره دستاوردهای علمی استاد سید امیر حسن عابدی همین قدر بگویم که وی در زمینه آثاری که تاکنون در مورد تأثیر داستانهای هندوستانی بر ادبیات فارسی به رشته تحریر درآمده و گردآوری شده، پژوهش‌های بی‌نظیری انجام داده است. چنانچه کسی بخواهد درباره این موضوع وسیع کار کند بدون هیچ تردیدی باید به تحقیقات استاد عابدی اعتماد کند.^۲

اولین بار من با آقای دکتر عابدی در سمیناری در خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در دهلی‌نو دیدار کردم. در آن سه روز باهم دیگر خیلی صمیمی شدیم. یک چیزی که از آن دوران یادمانده برای شما تعریف می‌کنم. بنده ساعت ۱۲ نیمه شب داشتم برای خواب آماده می‌شدم آقای عابدی که در جنب من بودند آن موقع داشتند کتاب واژه ناحیه‌ای که اسمش یادمان نیست را می‌خواندند. ساعت ۵ که از خواب بیدار شدم دیدم ایشان هنوز محو مطالعه همان کتاب هستند. متوجه نشدم کی خوابیدند و کی بیدار شدند.

بعد آن روز تا به وفاتشان با ایشان بسیار دیدار داشتم. ایشان مرا به ایران هم فرستادند. هر زمان که با وی دیدار قسمت می‌شد یا تلفنی تماس می‌گرفتم ایشان به من اصرار می‌کردند داستانی محلی یا حتی واقعه ادبی را برای شما تعریف کنم. خیلی خوش مزاج و خنده‌رو بودند.

۱. مقدمه دریای اسمار، ترجمه کتاسرت ساگر از مصطفی خالقداد عباسی، تصحیح دکتر تارا چند و پروفیسور سید امیر حسن عابدی.

۲. مقدمه «سیمای عابدی»، سیده بلقیس فاطمه حسینی، انتشارات بخش فارسی دانشگاه دهلی، ۲۰۰۴ م.

در سراسر هند هر گاهی سمینار برگزار می‌شد ایشان تشریف می‌آوردند و منم می‌رفتم. خیلی علاقه‌مند بودند به غذاهای خوشمزه. خیلی مردی کم آزار و آزاده منش بودند. به مخطوطه‌های قدیمی خیلی علاقه‌مند بودند. من در اوایل با مخطوطه‌ها زیاد علاقه‌ای نداشتم ولی ایشان باعث شدند و مرا تشویق کردند. بدین جانب یادم هست در علیگره بودیم حرارت ۴۵ درجه سانتیگراد بود و ایشان در کتابخانه در بخش مخطوطه‌ها محو مطالعه بودند و مرا تشویق می‌کردند به مطالعه مخطوطه‌ها در ضمن فرمودند پی.اچ.دی. یک سندی هست یک میوه‌ای هست که خیلی دیر می‌توانید طعمش رو بخشید.

خلاصه می‌کنم درجه ایشان رتبه ایشان مثل یک شجره طوبی است در ابیات جدید فارسی و بنابراین ایشان را «بابای فارسی» جدید در شبه قاره می‌گویند. از خدا می‌خواهیم ایشان را بیامرزد و در جوار رحمتش جایگزین کند. آمین.